



The Critique of Orientalist' Quranic Doubts in the field of recitations *

Baqir Riahi Mehr ^۱

Hossein Shirafkan ^۲

Abstract

The science of recitation is one of the Quranic sciences that has a great role in understanding the Quran and differences in recitations will be effective in receiving different meanings of the Quran. Due to the importance and relationship between the issue of differences in recitations and the change and distortion of the words of the Quran, Orientalists have Researched and raised doubts in this regard. The present article uses a descriptive-analytical method and a critical approach to the doubts of famous Orientalists such as: Noldeke (۱۹۳۰), Richard Bell (۱۸۷۶) and Arthur Jeffrey (۱۹۸۲) in the field of recitations, analyzes and critiques them. It seems that what forms the intellectual basis of this group of Orientalists, in the first place, is the long-standing obstinacy of the West towards Muslims, which can be seen in their Quranic Research approach, and the second aspect is the lack of attention to the principles of Research. And it can be clearly understood that the purpose of Orientalists in such Research was not and is not the understanding Islam and the Quran. Orientalists' Research on the issue of Quranic recitations, whether in terms of Research method, lack of study of Imamia sources and lack of full knowledge of the issue of differences in recitations, are among the unacceptable shortcomings a of Orientalists. Unlike Orientalists, Imamia scholars have never addressed the issue of distorting the Quran in favor of the Shiite sect, and claim that this is the definitive acceptance of the Ottoman Mushaf from the beginning of its formation until today. The Supreme Leader has a special emphasis on the specialized way of reciting the Holy Quran, and in various statements, his meticulousness is clearly seen. He gives the correct recitation as a prelude to understanding and acquiring Quranic knowledge, and on the way of reciting the Holy Quran, he deals with issues such as: repetition of verses and words, how to disconnect and connect the utterance of words, and "short and long breath" and explained it for the reciters and emphasized the necessity of correct recitation and the preliminaries of recitation.

Keywords: Quranic Doubts, Differences of Recitations, Supreme Leader, Theodore Noldeke, Richard Bell, Arthur Jeffrey.

*. Date of receiving: ۵, July, ۲۰۲۱ - Date of approval: ۸, November, ۲۰۲۱.

^۱. Assistant Professor of Quranic Comparative Studies of Al-Mustafa International University Qom (Corresponding Author): dr.riahi@chmail.ir

^۲. Assistant Professor and Faculty Member of Al-Mustafa International University
shirafkan۴۳@gmail.com



نقد شبهات قرآنی مستشرقان در حوزه قرائات*

باقر ریاحی مهر^۱ - حسین شیرافکن^۲

چکیده

علم قرائت یکی از علوم قرآنی است که نقش بسزایی در فهم قرآن دارد و اختلاف در قرائات، مؤثر در دریافت معانی مختلفی از قرآن خواهد بود. با توجه به اهمیت و ارتباط موضوع اختلاف قرائات با تغییر و تحریف الفاظ قرآن مستشرقان به تحقیق و طرح شبهات در این زمینه پرداخته‌اند. نوشتار حاضر با بهره جستن از روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد انتقادی به بررسی شبهات مستشرقان مشهور از جمله: نولدکه (۱۹۳۰م)، ریچارد بل (۱۸۷۶م) و آرتور جفری (۱۹۸۲م) در حوزه قرائات، به تحلیل و نقد آن می‌پردازد. به نظر می‌رسد، آنچه پایه و اساس فکری این دسته از مستشرقان را شکل می‌دهد، در وجه اول، عنادورزی دیرینه‌ی غرب نسبت به مسلمانان است که این مسئله در رویکرد قرآن پژوهی ایشان نیز به چشم می‌خورد و وجه دیگر، عدم توجه به اصول پژوهش است، و به روشنی می‌توان دریافت که هدف مستشرقان از این گونه پژوهش‌ها، شناخت اسلام و قرآن نبوده و نیست. پژوهش‌های مستشرقان در مسئله قرائات قرآن، چه از جهت روش تحقیق، عدم بررسی منابع امامیه و عدم آگاهی کامل از مسئله اختلاف در قرائات، از جمله کاستی‌ها و نواقص غیرقابل قبول مستشرقان است. پژوهشگران امامیه، برخلاف مستشرقان، هرگز به مسئله تحریف قرآن به نفع مذهب تشیع نپرداخته‌اند و مدعای این مسئله، پذیرش مسلم و قطعی مصحف عثمانی از ابتدای شکل‌گیری تا به امروز است. مقام معظم رهبری، تأکید خاص و ویژه‌ای بر نحوه قرائت تخصصی قرآن کریم دارند و در بیانات مختلف، ریزینی ایشان به روشنی مشاهده می‌گردد. ایشان قرائت صحیح را مقدمه‌ای برای فهم و به دست آوری معرفت قرآنی بیان می‌کنند و در مورد نحوه قرائت قرآن کریم، به مسائلی همچون: تکرار آیات و کلمات، نحوه قطع و وصل اداء کلمات و «نفس کوتاه و بلند» پرداخته و آن را برای قاریان قرآن شرح داده‌اند و بر لزوم قرائت صحیح و مقدمات قرائت تأکید نموده‌اند.

کلیدواژه‌ها: شبهات قرآنی، اختلاف قرائات، مقام معظم رهبری، تئودور نولدکه، ریچارد بل، آرتور جفری.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۴ و تاریخ تایید: ۱۴۰۰/۸/۱۷.

۱. استادیار گروه مطالعات تطبیقی قرآن جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول): dr.riahi@chmail.ir.

۲ - استادیار و عضو هیات علمی جامعه المصطفی: Shirafkan43@gmail.com.



۱ - مقدمه

رسول گرامی اسلام ﷺ از همان زمان نزول قرآن کریم نسبت به فراگیری، حفظ و قرائت آن سفارشات بسیاری فرمودند و پیروان راستین ایشان نیز سعی وافر در یادگیری، حفظ و قرائت صحیح آیات قرآن نمودند؛ از این رو مسلمانان اختلاف نظری درباره قرآن کریم ندارند و متن فعلی و رایج آن مورد اتفاق و اجماع شیعیان و اهل سنت می باشد. مسلمانان با وجود اختلافات فرقه ای، بر این امر وحدت نظر دارند که قرآن کریم وحی الهی است؛ همچنان که خدای متعال در آیات متعدد به آن اشاره می کند؛ از جمله ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء/۸۲).

علاوه بر این مسلمانان بر این اعتقادند که تغییری از طرف رسول خدا ﷺ در ماهیت قرآن صورت نگرفته است، خداوند خود نیز بر تغییر نیافتن قرآن از طریق پیامبر تأکید دارد؛ از جمله می خوانیم: ﴿قَالَ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا أَنْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ﴾ (یونس/۱۵)؛

از آنجا که قرآن کریم آخرین وحی آسمانی برای هدایت است، باید از هرگونه تغییر و تبدیلی محفوظ بماند. خداوند نیز حفاظت از قرآن را وعده داده است و حفظ و پاسداری از آن را به عهده گرفته است، همچنان که در آیه ای آن را مطرح می کند و می فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر/۹)؛

از سوی دیگر، از ابتدای رسالت پیامبر اکرم ﷺ مبارزه با قرآن توسط مشرکان و دشمنان قرآن و پیامبر آغاز شد و با استفاده از روش های متعدد سعی کردند این کلام الهی را از درجه اعتبار بیندازند؛ گاهی مانند اعراب جاهلی سعی کردند با آوردن کلامی فصیح و بلیغ به مبارزه با قرآن برخیزند و گاهی با ایجاد تردید در عصمت رسول خدا ﷺ و منشأ نزول قرآن و... سعی در از قداست انداختن قرآن و بشری جلوه دادن آن شدند. با این حال علمای اسلامی و به ویژه ائمه اهل بیت علیهم السلام و علمای شیعه در مقابل این دشمنی ها ایستادند و تمام شبهات و تردیدها را پاسخ دادند.

از جمله این دشمنی ها تلاش هایی است که از جانب برخی مستشرقان برای ایجاد تردید در اصالت متن و نسخه رایج قرآن صورت می گیرد. این قبیل مستشرقان با انگیزه های متعدد تبشیری و سیاسی کوشیده اند تا تهمت هایی ناپسند و غیر مستدل بر قرآن کریم وارد کنند و بدین طریق مانع پیوستن مردم به این دین جهانی شوند. هر چند برخی از مستشرقینی که به مطالعه و پژوهش در خصوص دین اسلام



و قرآن کریم پرداخته‌اند، انگیزه‌ای علمی و آکادمیک به تحقیق در خصوص ماهیت این کتاب داشته‌اند؛ اما در عین حال نگاه بسیاری از مستشرقین به قرآن کریم، به مثابه یک کتاب آسمانی، مقدس و وحی منزل نمی‌باشد. لذا باب انتقاد، تردید و پژوهش‌های تخریبی بر این کتاب را گشودند و سعی کردند با وارد کردن شبهاتی در کتاب آسمانی مسلمانان یعنی قرآن کریم و دین اسلام خللی ایجاد کنند. از جمله تلاش‌های برخی از این مستشرقین سعی در ایجاد خلل در قرآن با استفاده از وجود اختلاف قرائات قرآن است و از طریق ایجاد شبهاتی و حیانی بودن قرآن کریم را دچار خدشه می‌کنند. در این پژوهش سعی بر طرح این شبهات و تلاش علمای شیعه در رد آنها شده است.

۲- معناسازی قرائت

قرائت از ریشه‌ی «قرء» گرفته شده و به معنای جمع کردن و پیوستن است و قرائت قرآن به معنای ضمیمه کردن حروف و کلمات در کنار هم می‌باشد (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۰۴: ۶۶۸)،

صاحب العین در این باره می‌نویسد:

«واژه «قرائت» درباره قرآن و دیگر کتاب‌ها و نوشته‌ها به کار می‌رود، با این تفاوت که درباره قرآن تلفظ الفاظ و کلمات در آن، لازم است؛ ولی در مورد سایر کتاب‌ها و نوشته‌ها، اصل در آن، ادراک معنا و مفهوم کلام است، خواه با نگاه کردن و مطالعه و خواه با تلفظ و خواندن باشد» (فراهیدی، العین، ۱۴۰۹: ۸ / ۱۳۴).

علمای لغت معانی متعددی برای واژه قرأ ذکر کرده‌اند. زجاج قرائت را به معنای جمع کردن و گرد آوردن دانسته است (زرکشی، البرهان، ۱۳۷۶: ۱ / ۲۷۸)؛ قطرب نحوی قرائت را به انداختن و اسقاط معنی کرده است (همان). ابن عطیه قرائت را به معنای تلاوت و خواندن آورده است (صاری، مقدمتان فی علوم القرآن، ۱۳۹۲: ۲۸۲). عده‌ای دیگر از لغت‌شناسان نیز این معنا را پذیرفته‌اند (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۶: ۳ / ۴۱۲).

اولین مرحله قرائت قرآن توسط جبرئیل صورت گرفته که با خطاب إقرأ (بخوان) به پیامبر ﷺ قرآن را تعلیم داده است. طبق دیدگاه بیشتر مفسرین (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۲ / ۱۱۷؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۶: ۱۰ / ۵۱۲)؛ اولین آیاتی که بر رسول خدا ﷺ نازل شده است، این آیات بوده است: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ *



عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿عَلَق/ ۱-۵﴾؛

روشن است که مقصود از آموزش قرآن به پیامبر ﷺ این بوده که هم خود آن حضرت از آموزه‌های الهی آگاهی یابد و هم آنها را به مردم منتقل کند، تا برای آنها با عمل به آن آموزه‌ها رستگاری به ارمغان بیاورد. بی تردید برای انتقال این آموزه‌ها و آیه‌های قرآن به مردم راهی جز آموزش و قرائت آنها وجود ندارد. قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا﴾ (اسراء/ ۱۰۶)؛

پس قرائت به معنای تلاوت و خواندن می‌باشد و عالمان شیعه بر آن متفق علیه هستند، و بر این باورند که پیامبر ﷺ هر چه که جبرئیل به آن تعلیم داده بود را بدون هیچ کم و کاستی به مردم ابلاغ کرده است.

دانشمندان علوم قرآنی نیز از «قرائت» تعاریفی ارائه داده‌اند. در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. صاحب کتاب البرهان می‌نویسد: «قرائت عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است که این اختلاف درباره حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها از قبیل تخفیف و تشدید و امثال آنها از سوی قراء نقل شده است» (زرکشی، البرهان، ۱۳۷۶: ۱/ ۳۸).

بر این تعریف اشکالاتی وارد شده است از جمله اینکه قراءات منحصر به الفاظی از قرآن مجید شده است که در نحوه خواندن آنها اختلاف است؛ در حالی که علمای علم قرائت گستره آن را به الفاظی که در قرائتشان اختلافی نیست نیز گسترش داده‌اند.

۲. ابن جزری می‌گوید: قرائات عبارت از علم به کیفیت اداء کلمات قرآن و اختلاف این کیفیت است؛ اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب است (ابن جزری، منجد المقرئین، ۱۳۶۸: ۳).
از این تعریف نکاتی به دست می‌آید:

الف: اختلاف قرائات مربوط به آیات قرآن نیست، بلکه مربوط به ناقلان قرائت است.

ب: علاوه بر این از جمله شرایط اساسی قرائت، شنیدن کیفیت اداء کلمات است. مطابق این شرط ابن جزری می‌گوید: قاری باید از خواندن مطابق قرائتی که از نظر او صحیح است ولی نقل و روایت، آن را تأیید نمی‌کند و نیز از قرائت به آن صورت که از نظر اعراب و لغت روایتی در مورد آن وجود ندارد، خودداری نماید. (همان)



۳. دمیاطی نیز قرائت را این چنین تعریف می‌کند: «قرائت علمی است که به چگونگی ادای کلمات قرآن و اختلاف هایش، همراه با نسبت دادن به ناقل آن است» (الدمیاطی، اتحاف فضلاء البشر، ۱۴۲۷: ۵).

از این تعریف آشکار می‌شود که شنیدن از استاد شرط اساسی در صحت قرائت است، ضمن این که اشکالی که بر تعریف زرکشی وارد شده بود، بر این تعریف نیز وارد است.

۴. زکریا انصاری در تعریف قرائت می‌گوید: «قراء معتقدند که قرآن کریم باید قرائت شود اعم از اینکه قرائت را به معنای تلاوت و یا به معنای ادا کردن باشد» (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۱۱۵۸/۵).

با اینکه در تعریف زکریا انصاری محدودیت در تعریف قبل که شرط قرائت شنیدن از اساتید است به چشم نمی‌خورد؛ اما در تعریف وی شرط دیگری برای اعتبار قرائت آمده است و آن اینکه باید این قرائت مسموع و منقول با قرآن منطبق باشد؛ چه این که این قرائت بدون حضور و تلاوت نزد استاد صورت گرفته باشد و چه بصورت اداء در حضور استاد تلاوت شده باشد.

مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرماید: «قرائت قرآن مقدمه‌ی فهم قرآن و به دست آوردن معرفت قرآنی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۸/۱۰/۲۶).

همچنین ایشان در بیانی دیگر می‌فرمایند: «خواندن قرآن و تلاوت قرآن و لحن قرآن و تجوید قرآن و حفظ قرآن و مانند اینها همه مقدمه است؛ مقدمه‌ی فهمیدن است و فهمیدن مقدمه‌ی عمل کردن است» (بیانات مقام معظم رهبری بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۷/۲/۶).

طبق آنچه بیان شد نگارنده بر این باور است که هیچ یک از این تعاریف جامع و مانع نیست و مناسب‌تر است قرائت را این گونه تعریف کنیم: «ادای کلمات قرآن آنگونه که قرائت پیامبر گرامی اسلام ﷺ بوده و یا اجازه آن را داده است». بر اساس این تعریف، روایات و اسناد از اجزاء معتبر در قرائت می‌باشد و هرگونه قرائتی که پس از رسول خدا ﷺ پدید آمده یا در زمان آن حضرت پیدا شده ولی حضرت آن را نخوانده است و مدّ نظرشان نیز نبوده است، در ردیف قرائت صحیح قرآن نخواهد بود.

۳- شبهات مستشرقان در حوزه قرائت

دوره رنسانس و تحولات علمی در غرب پیامدهای متعددی را به دنبال داشت. بیشترین آنها برای کلیسا و مسیحیان بود؛ چرا که بعضی از دستاوردهای علمی تعارض صریح و روشنی با آموزه‌های کتاب مقدس داشت؛ از این رو متفکران مسیحی به این نتیجه رسیدند که یا کتاب مقدس را وحی ندانند و یا باید به کذاب بودن خداوند در کتب مقدس معتقد شد. در نتیجه بر این باور شدند که کتب مقدس وحی نیست، بلکه برداشت نویسندگان کتب مقدس از جهان و مسائل جامعه آن روزگار است (باربور، علم و دین، ۱۳۹۴: ۲۶۹). همین دیدگاه به دیگر کتب مقدس از جمله قرآن نیز تسری داده شد و قضاوت مستشرقین درباره قرآن همچون قضاوت آنان نسبت به کتاب مقدس شد و پیامبر نیز از نظر آنها در حد انسان‌های نابغه شد. آنچه که انسان را به این مستشرقین بدبین می‌کند، این است که بسیاری از آنها یهودی هستند و روشن است که برخی از آنها در تحقیقات خود انگیزه علمی نداشته، بلکه به دنبال تأمین اهداف مجموعه‌ای هستند که از نظر مالی آنها را تأمین می‌کنند.

بررسی آماری و موضوعی پژوهش‌های صورت گرفته خاورشناسان درباره قرآن کریم نشان از آن دارد که بیشتر تحقیقات پشتیبانی شده از ناحیه غربی‌ها و صاحبان کلیساها، با اهداف خاص استعماری و ضد اسلامی است و تمام تلاش‌ها بر این امر استوار است که درباره موضوعاتی تحقیق شود که حاصل آن اثبات کننده ضعفی در معارف و سند قرآن فعلی و یا تردیدی در وحیانی و الهی بودن آن باشد.

عناوین کتاب‌ها و مقالات مستشرقین به روشنی بیانگر این جهت‌گیری‌های استعماری و ضد اسلامی است. به عنوان مثال: موضوع کلی بسیاری از آثار خاورشناسان بر محور زیر نوشته شده است:

الف: اشکال در ساختار قرآن کریم و وارد کردن اشکال‌های ادبی بر کلمات آن.

ب: تشکیک در نبوت رسول گرامی اسلام ﷺ و انکار نزول وحی بر ایشان.

ج: اثبات تأخیر در جمع آوری، تدوین و کتابت آیات قرآن کریم و تردید در اینکه قرآن موجود، همان آیات قرائت شده توسط رسول گرامی اسلام ﷺ است.

د: اشکال‌های فراوان بر آموزه‌ها و معارف و محتوای آیات قرآن کریم در ابعاد عقیدتی، فلسفی، حقوقی، سیاسی، اخلاقی و مانند آن (زمانی، قرآن و مستشرقان، ۱۳۹۵: ۷۱).

طبیعی است که پرداختن به مسئله قرائت قرآنی به عنوان نخستین گام در این راستا مدنظر



مستشرقین بوده و در این باره سعی کرده‌اند تمامی قرائت‌های مختلف ثبت شده از قرآن را جمع آوری کرده و به ارائه نظریه در این رابطه پردازند. در ادامه بخشی از آنها بیان می‌شود.

۱-۳- تئودور نولدکه (Theodor Nöldeke) (۱۹۳۰م)

نولدکه که از جمله مطرح‌ترین مستشرقان آلمانی می‌باشد، در مورد اختلاف قرائات قرآن نظریاتی دارد که در این قسمت از مقاله حاضر بدان می‌پردازیم:

۱- صحت لغات: طبق دستور زبان عربی

۲- تطبیق با نسخه مصحف عثمان.

به نظر نولدکه، شرط نخست چندان محل بحث نیست، زیرا اشتباهات لغوی در بحث ترتیل قرآن، بسیار زیاد می‌باشد و عرب و ادبیات عرب نیز همواره در معرض اشتباهات لغوی بوده است، یا به علت اهمال کاری در مواقع برخورد با موارد ثقیل و دشوار، و یا به علت اختلاف لهجه، گاه‌ا این مسئله پیش می‌آمده است، از این روی، قاریان قرآن و دانشمندان علوم نحو، از لحاظ احکام لغوی، دارای اختلاف نظر هستند. نولدکه در این زمینه اشاراتی به مبحث جمع قرائات ابن مجاهد نیز دارد (نولدکه، تاریخ القرآن، بی تا: ۵۶۲)؛ نولدکه در ادامه می‌نویسد: وجود اختلاف در قرائت امری مسلم است، اما در مورد خطای لغوی در قرائت، بحث و جدل وجود دارد (همان: ۵۶۴).

نولدکه این سوال را مطرح می‌کند که: آیا بدون لحاظ کردن شرایط دیگر برای قرائات، مبادی و شروطی که ابن مقسم برای یک قرائت مقبول مطرح کرده است کافی است و قرائت مقبول نیاز به شرط دیگری ندارد؟ (با توجه به اینکه ابن مجاهد در قرائت معتبر، شرط صحت سند را هم ذکر کرده و موفق بوده) (همان: ۵۶۵).

نولدکه در مورد دو مجموعه‌ای که از مکی بن ابیطالب نقل می‌کند می‌گوید: مجموعه اول (که قرائتی است که روایاتش خبر واحد و از لحاظ دستور زبان عربی، موافقت دارند اما با مصحف عثمانی توافق ندارند) مورد قبول است؛ اما در ادامه می‌گوید: قرائت کامله فقط قرائات دارای شرائط سه‌گانه است (همان: ۵۶۷).

طبق رأی و نظر نولدکه، عمده مسئله اختلاف قرائات، مرتبط با اختلاف لهجه می‌باشد و این موضوع اختلاف در لهجه، اعتبار قرائات را کاهش داده و جریان استمرار قرائات مشهوره، به خاطر دور شدن از قرائات مختلف بوده است. وی در ادامه به این مسئله می‌پردازد که وحدت قرائات به صورت اتفاقی محال است و این امر صرفاً با برقراری ارتباط بین قرائات قدیم و جدید



شکل گرفته است (همان: ۵۷۵).

نولده که در ادامه دیدگاه‌های برخی از دانشمندان را مطرح می‌کند: از احمد بن حنبل در متورد قرائات بهتر سؤال شد، جواب داد: بهترین قرائات قرائت اهل مدینه است اگر نبود، قرائت عاصم. مکی می‌گوید: قرائت این دو امام «نافع و عاصم» موثوق‌ترین قرائات و از لحاظ سند مهمترین. وی همچنین می‌نویسد: «این اقوال ... چیزی جز تبری در مورد واقع نیست. قرائت عاصم، مهمترین مجموعه از قرائات عراقی تصور گردیده. از ویژگی‌های شهر عراق این است که قرائات (ابوعمر و، عاصم، حمزه کسائی) از هفت قرائت و (یعقوب، خلف) از سه و (یزیدی، حسن، أخفش) از چهار در این شهر رشد و ترقی داشت. آگاهی و شناخت ابن مجاهد به علم قرائات از ابن شنبوذ، «که دشمن او بود» کمتر بود ولی ابن مجاهد با زیرکی از او سبقت گرفت و پیروز شد. پس ابن مجاهد، معلم موفقی بود و معلوم شد کتاب او مرجع اساسی علوم قرآن است اگرچه کتابهایی از آن فراتر است (ر.ک: حسینی، دیدگاه‌های نولده که در مورد رسم الخط و قرائت قرآن و نقد آن، ۱۳۸۷: ۱۶۱ - ۱۶۵).

نقد و بررسی

۱- نولده که پس از بیان مطالبی از ابن مقسم، به این مسئله می‌پردازد که: شرط ابن مقسم برای پذیرفتن قرائت قرآن که همان شرط صحة اللغة می‌باشد، از اعتبار چندانی برخوردار نیست و علت این ادعا آن است که خطاهای لغوی در قرآن بسیار به چشم می‌خورد و عرب، با توجه به اهمال‌کاری‌هایی که در هنگام مواجهه با مطالب و لغات ثقیل و دشوار اعمال می‌کرد، همواره در معرض اشتباهات لغوی بوده است (نولده که، تاریخ القرآن، بی تا: ۳/ ۵۶۲).

در جواب باید گفت:

اولاً: شرط صحة اللغة (رعایت دستور زبان عربی) یکی از ارکان اساسی در پذیرش قرائت قرآن است و این نکته در کلام دانشمندان قرآنی پدیدار و هویدا است (فضلی، مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، ۱۳۷۸: ۱۵۷).

ثانیاً: عرب در زمان پیامبر ﷺ نهایت سعی و تلاش (را در اینکه خطای لغوی در قرآن پیش نیاید) مبذول داشتند و کسی از اصحاب و غیره ... حق تغییر و یا دست‌درازی به متن و لغت قرآن نداشت (عبدالغنی القاضی، القرائات فی نظر المستشرقین و الملحدین، بی تا: ۸۵)؛ و همان‌طور که از جانب خداوند نازل گشته، کتاب شده است و این نسبت اهمال‌کاری به عرب، نسبت ناروایی است و اگر



چنانچه اختلافی در لغت و لهجه وجود داشت از جانب راویان رسیده بود. بنابراین به جهت اهمیت فراوانی که این شرط (مطابقت با دستور زبان عربی) در عرصه قرائات معتبر و مقبول داشت پژوهشگران آن را لحاظ کردند تا اینکه قرائات معتبر را از نفوذ قرائات شاذه در آنها، ملحوظ نگاه دارند (با توجه به اینکه علماء قرائات احساس کردند قرائات معتبر با قواعد زبان عربی ناسازگار نیست و هیچ قرائت معتبری وجود ندارد که با مکتبی در نحو و یا با نظریه‌ای در این فن ناسازگار باشد (همان: ۱۵۷).

با در نظر گرفتن این مفروضات و مباحث قبلی اثبات می‌گردد که خطای لغوی از ساحت مقدس متن قرآن به دور است و وجود اختلافات در تلفظ و لهجه برخی کلمات، به راویان قرائات برمی‌گردد نه به اصل قرآن و متن آن و قرائت معتبری وجود ندارد که مخالف با قواعد زبان عربی باشد.

۲- نولدکه در شبهه دوم و سوم گفته است: ۱. با توجه به معیارهای ابن مجاهد، شرائطی که ابن مقسم برای یک قرائت مقبول مطرح کرده است کافی می‌باشد؟ ۲. قرائتی که روایاتش خبر واحد و با مصحف عثمانی موافق نباشد مورد قبول است (نولدکه، تاریخ القرآن، بی تا: ۳/ ۵۶۵).

- در جواب مدعای اول، سخن دکتر فضلی را نقل می‌کنیم که می‌گوید: مقیاس ابن مقسم در مهدی که زاده شد از دنیا رفت زیرا او شرط صحت سند را مورد غفلت قرار داد، که به عنوان شرط اساسی در اعتبار قرائات، مطرح بود (فضلی، مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، ۱۳۷۸: ۱۴۷). از طرف دیگر میان دانشمندان در اینکه صحت سند روایت در قرائات معتبر، شرط است هیچگونه اختلافی وجود ندارد. بلکه اختلاف آنها به سطح و پایه و درجه صحت سند مربوط می‌شود. (همان) بدین ترتیب ذکر نکردن شرط صحت سند یعنی مخالفت با تمام دانشمندان قرائات، که معقول نیست. پس مبادی ابن مقسم در مورد قرائات معتبر، کافی نیست.

- اما پاسخ ادعای دوم نولدکه این است که: ۱. رأی جمهور علماء در مورد صحت سند این است که متواتر باشد و خبر واحد به حد تواتر نمی‌رسد (همان). ۲. همه دانشمندان اتفاق نظر دارند که باید سند روایت مربوط به قرائت، مفید علم باشد در حالیکه خبر واحد، ایجاد علم نمی‌کند (همان: ۱۴۸). در نتیجه؛ قرائتی که روایاتش، خبر واحد باشد در ردیف قرائات معتبر و مقبول قرار نخواهد گرفت.

و از طرفی اگر قرائتی، موافق با مصحف عثمانی نباشد از ورود قرائات شاذ و اختلافات در وجوه قرائات، ایمن و محفوظ نخواهد بود. زیرا هدف و مقصد عثمان از تدوین قرآن میان دو لوح این بود که میان مردم بر اساس قرائات معروفی - که صدور آن از جانب نبی اکرم ﷺ ثابت شده بود - اتحاد و همبستگی ایجاد کند و از به وجود آمدن فتنه و آشوب به واسطه اختلافی که میان اهل عراق و شام



درباره پاره‌ای از وجوه قرائات پیش آمده بود جلوگیری گردد (حمزة، المواهب الفتحية فی علوم اللغة العربية، ۱۳۱۳ق: ۲ / ۸۶).

بنابراین قرائتی که سند روایتش، خبر واحد و مخالف با مصحف عثمانی باشد جزء قرائات معتبر نیست و رأی و نظر نولدکه در این خصوص، از اساس مردود است.

۳- در شبهه چهارم گفته است: مشکل قرائات، اختلافاتی است که به لهجات، ارتباط دارد و معتقد است که اختلاف قرائات ناشی از اختلاف در لهجه‌ها است (نولدکه، تاریخ القرآن، بی تا: ۳ / ۵۷۵).

نقد مدعا: نولدکه عوامل اختلاف قرائات را در یک عامل محدود کرده است و بر این تصور است که تنها عامل اختلاف قرائات، مسئله اختلاف لهجات است، در حالیکه چنین نیست و با مراجعه به کتب متعدد و دیدگاه‌های دانشمندان در این زمینه می‌بینیم که در به وجود آمدن اختلاف قرائات، عوامل متعددی دخیل بوده است مانند: اختلاف روایت، ابتدایی بودن خط، خالی بودن حروف و کلمات از حرکات و اعراب و نقطه ... که پژوهشگران در تعداد این عوامل، اختلاف نظر دارند و تعداد معینی را ذکر نکرده‌اند (معرفت، تلخیص التمهید، ۱۴۱۲: ۱ / ۷۲؛ ر.ک: حسینی، دیدگاه‌های نولدکه در مورد رسم الخط و قرائت قرآن و نقد آن، ۱۳۸۷: ۱۶۲ - ۱۶۷).

بدین ترتیب، می‌توان در جمع‌بندی این بخش چنین گفت: ابن مجاهد نه تنها در زیرکی و باهوشی از ابن شنبوذ و امثال آن، برتر بوده، بلکه در مورد علم قرائات و آگاهی عمیق به آن، سرآمد عصر خویش بوده، چنانچه در اقوال و سخنان دانشمندان به خوبی روشن است. پس گفته نولدکه کاملاً بی‌اساس و بی‌ربط است.

مقام معظم رهبری در مورد قرائت در بین قراء عرب، به نحوه صحیح قرائت تأکید می‌فرمایند و حتی در مورد مسائل جزئی همچون «نفس کوتاه و بلند» در قرائت نکات مهمی را بیان می‌فرمایند: «یک نکته‌ای را من عرض بکنم؛ شما همه تقریباً قراء هستید که اینجا تشریف دارید؛ یکی از چیزهایی که رایج شده است در بین قراء عرب - این مصری‌ها و دیگران - و از آنجا به داخل کشور ما منعکس شده است، اهمیت دادن به نفس بلند است. من نمی‌فهمم وجه این کار چیست؛ هیچ لزومی ندارد که ما کلمات قرآن را، گاهی آیات را به همدیگر وصل کنیم به خاطر اینکه نفس می‌خواهیم بدهیم؛ به نظر من هیچ لزومی ندارد. یک وقتی لازم است و ادای مفهوم آیه متوقف به این است که با یک نفس خوانده بشود، خوب بله، این کار را بکنند و الا زیبایی تلاوت و تأثیرگذاری تلاوت به هیچ‌وجه وابسته به



نفس بلند نیست؛ که حالا بعضی از قراء معروف مصری هنرشان در این است که با نفس بلند [بخوانند]؛ مستمعین هم عوامانه وقتی با نفس بلند میخوانند، بیشتر تشویق میکنند و الله، الله میگویند. به نظر من، هم کار این [قاری] غلط است، هم کار آن مستمع غلط است. ما در بین قراء خوب مصری، قراء برجسته‌ی مصری کسی یا کسانی را داریم که نفسشان کوتاه است، هم خواندنشان خیلی خوب است، هم تأثیرگذاری‌شان خوب است؛ از جمله عبدالفتاح شعشاعی. شما میدانید نفسش کوتاه است اما در عین حال یکی از بهترین و اثرگذارترین تلاوتها - که ان شاء الله خدای متعال ایشان و همه‌ی قراء قرآن را مشمول رحمت و مغفرت کند - از این مرد شنیده میشود. بنابراین من خواهش میکنم که آقایان در مسئله‌ی نفس، خودشان را اذیت نکنند» (بیانات مقام معظم رهبری در جمع قاریان قرآن، ۱۳۹۴/۴/۲۸).

همچنین مقام معظم رهبری، تأکید ویژه‌ای بر نحوه قطع و وصل اداء کلمات در هنگام قرائت قرآن دارند و در این زمینه می‌فرمایند:

«حالا که شما [قاریان] در این رشته [قرائت] پیشرفت کردید، بعدش چه؟ طریقه‌ها را که یاد گرفتید، حروف را که خوب از مخرج ادا میکنید، زیر و بمهای صدا را که بلد شدید، نفستان هم که الحمدلله روی دست بعضی از نفسدارها و پیشکسوت‌های شما زده است، حالا بعدش چه؟ آیا در همین جا متوقف میمانید؟ نه، شما هنوز اول راهید. همین شما خوبها - که میدانید هم من چه قدر به شماها علاقه و ارادت دارم - یکی، دو نقص عمده در تلاوت‌های شماست که باید آنها را برطرف کنید. یکی این است که قطع و وصلهایتان، همیشه بمیزان نیست. ... اگر وقت بود، به شما میگفتم که کجا را اشتباه وصل کردید، یا اشتباه قطع کردید. گاهی این اشتباه دیده می‌شود و معنا خراب می‌گردد؛ گاهی هم معنا خراب و ضایع نمیشود، اما آن زیبایی را دیگر ندارد» (بیانات مقام معظم رهبری در پایان مراسم قرائت قاریان قرآن، ۱۳۶۹/۱/۱۹).

نکته دیگری که مقام معظم رهبری در مورد نحوه قرائت، بدان پرداخته‌اند، مسئله تکرار آیات و کلمات در هنگام قرائت است و در این خصوص خطاب به قراء قرآن بیان فرموده‌اند: «بنده شاید چند سال قبل... انتقاد کردم از کسانی که زیادی آیات را تکرار میکنند. میخواهم عرض بکنم یک جاهایی تکرار لازم است، حتمی است. با یک بار خواندن، معنا منعکس نمیشود و باید آن را تکرار کرد؛ دو بار، سه بار، گاهی آیه را باید تکرار کرد، گاهی دو آیه و سه آیه را باید تکرار کرد. مقصودم این نیست که در این زمینه افراط انجام بگیرد. بعضی از خواننده‌های قراء مصری را دیدیم در این زمینه افراط میکنند؛



تأثیر منفی دارد. افراط منظوم نیست؛ اینکه ما ده بار یا هشت بار یک چیزی را تکرار کنیم، این مطلوب نیست. حالا شاید در آوازه خوانی های عربی این کار معمول است اما در قرآن خوانی این کار مطلوب نیست. اما تکرار به قدری که این مفهوم در ذهن مخاطب بنشیند، لازم است.» (بیانات مقام معظم رهبری در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۴/۳/۲۸).

۲-۳- ریچارد بل (Richard Bell) (۱۸۷۶م):

ریچارد بل، هرگونه ادعا مبنی بر حفظ قرآن از تحریف و تغییر را رد می کند و حتی این مطلب که نگارش کل قرآن، در زمان رسول الله ﷺ به سرانجام رسیده باشد را قبول نداشته و چنین می نگارد: «این احتمال وجود دارد که آیات قرآن که در زمان رسول اکرم بر ایشان نازل شده، را مسلمانان به صورت شفاهی حفظ نموده اند، و این آن چیزی است که در آن دوره رایج بوده است» (بل، درآمدی بر تاریخ قرآن، ۱۳۸۲ش: ۵۷). بل، معجزه بودن قرآن را قبول ندارد و مسائلی همچون امی بودن نبی اکرم، نگارش کامل آیات قرآن در زمان حیات ایشان توسط مسلمانان را رد می کند. این موضوع، مسئله ای است که تمامی مستشرقان بدان می پردازند و غالباً پیش فرض تحقیقی تمام مستشرقان این است که قرآن آن صفاتی را که مسلمانان بدان اعتقاد دارند را ندارد و در بهترین حالت، قرآن چیزی فراتر از انجیل و سایر کتب آسمانی نیست و لذا تمامی نگاه های تحقیقی و تحلیلی که به کتب عهدین دارند، بر قرآن نیز جاری می نمایند. البته بل هر چند نگارش کامل قرآن را در زمان حیات پیامبر رد می کند؛ اما در گزارشاتی ضد و نقیض می نویسد: «اصحاب پیامبر، قرآن را به روش های مختلف حفظ می نمودند و در حافظه خویش ثبت می کردند، البته گاهی در بخش های کوچکی از قرآن، اختلاف نقل و کتاب وجود داشته، که در این صورت، می بایست امروزه اختلافات و تفاوت های بسیاری در نسخ به جا مانده از آن می دیدیم!» (همان: ۶۷) ریچارد بل، همچون نولدکه، جمع آوری قرآن را توسط ابوبکر به رسمیت نمی شناسد، زیرا وی اعتقاد دارد که این نسخه، صرفاً نسخه ای حکومتی و در اختیار افراد حکومتی بوده و وجهه رسمی نداشته است، و نسخه رسمی و نشر یافته در بین مسلمانان را نسخه جمع آوری شده در زمان عثمان می داند که آن هم نمی تواند نسخه ای کامل بوده باشد و تمامی آیات را شامل بشود.

ریچارد بل، در توجیه کار هیأت عثمانی می نویسد: «برخی از روایات حاکی از آن است که کار هیأت گردآورنده، صرفاً تدوین یک نسخه پاکیزه از مواد موجود روی صفحه ها به لهجه قریش بوده است» (همان: ۷۵) او مهم ترین نقطه ابهام عمل عثمان را در مصحف حفصه می داند، چه اینکه پس



از مدتی مروان این مصحف را به دلیل خوف از گسترش قرائات شاذ سوزاند که اگر به راستی این مصحف در بردارنده چنین قرائاتی بوده است، پس چگونه اساس کار عثمان در توحید نص قرآنی قرار گرفت است؟ هر چند او تلاش‌های مسلمانان در دستیابی به تمام نگاهشده‌های قرآنی و یکسان‌نگاری صورت تلفظ آنها را جزء برنامه‌های هیأت عثمانی می‌داند اما در صحت نتایج این هیأت از دو جهت تردید وارد می‌کند. اول از جهت کمیت که مصحف حفصه واجد تمام سور قرآنی نبوده است و دیگری از جهت کیفیت قرائت که او مصحف حفصه را یکی از عوامل اشاعه قرائات ناصحیح می‌داند به همین سبب هر چند تلاش هیأت عثمانی در خورد توجه است، اما خود نه تنها رافع مشکلات نبوده که پایه‌گذار تفرق مسلمین در تعدد قرائات گشت و به همین دلیل قرائات غیررسمی هرگز فراموش نگشت. ریچارد بل و شاگرد وی موننگمیری وات معتقد هستند که هدف این مجاهد از جمع‌آوری قرائات سبعة تطبیق آن با احرف سبعة مشهور در روایات است و از منظر وی قرائات صحیح تنها محدود به همین هفت قرائت است (همان: ۸۰).

بل معتقد است که با توجه به اهتمام نسبی مسلمین و پیامبر به قرآن کریم به اختلاف مصاحف صحابه و قرائات متفاوت، اختلافاتی در قرائات قرآن کریم حاصل گشت که حتی با توحید نص قرآنی در زمان عثمان از بین نرفت و به قوت خود باقی ماند. می‌توان از میان باورهای او اعتقاد به شکل‌گیری ریشه‌های اختلاف قرائت در زمان حیات رسول خداوند را استنباط کرد. در مجموع آرای بل، عمده عامل شکل‌گیری اختلاف قرائات عبارتند از: ۱- عدم کتابت آیات وحی در زمان حیات رسول خداوند که ضمانتی بر صیانت آن باشد و لذا شروع این اختلافات از دوران حیات رسول خداوند، ۲- نارسایی رسم الخط ساده عرب، ۳- تمسک هر شاگرد به قرائت اسناد خویش (به این دلیل مصحف عثمان نقش چندانی در توحید قرائات نداشت)، ۴- تعدد مصاحف صحابه و اختلافات آنها در شکل‌گیری اختلاف قرائات (همان: ۸۴؛ ر.ک: فراهانی، نقد و بررسی آرای مستشرقان پیرامون اختلاف قرائات قرآن کریم، ۱۳۸۹: ۷۲-۷۴).

نقد و بررسی

ریچارد بل، در بیان نظریات خویش، به «نولدکه» استناد می‌دهد و پس از بیان این مطلب که قرآن در زمان رسول اکرم جمع‌آوری نشده است، تدوین و جمع‌آوری نسخه رسمی فعلی را به زمان دوره خلیفه سوم منسوب می‌کند، و اختلاف مصاحف صحابه پیامبر در کتاب را یکی از علل اصلی اختلاف قرائت برمی‌شمارد. وی اعتقاد دارد مصاحف صحابی پیامبر ﷺ بر اساس قرائت نبی مکرم اسلام ﷺ



صورت می‌گرفته و نص واحدی داشته، اما از آنجا که این مصاحف، شخصی بوده و در دسترس صحابی خاص بوده، اصحاب بنا به اختیار خود، تفسیر و سبب نزول‌های متفاوت و همچنین احکام مترتب گوناگونی را بیان می‌کرده و می‌نوشتند، و از این روی، مصاحف دارای تفاوت‌هایی بوده است. پس از رحلت نبی مکرم اسلام ﷺ همین امر، موجب تفاوت مصاحف گردید و عثمان نسخه واحد و رسمی از قرآن جمع‌آوری نمود. وی مصحف ابوبکر را عامل اصلی اختلاف در قرائات می‌داند، البته از دیدگاه شیعه، قرائت قرآن واحد بوده و مصحف ابوبکر نیز دارای همین اشتراک قرائتی است که نسخه مصحف عثمانی قرآن داراست.

او رسم الخط ابتدایی عرب و تفاوت مصحف‌های عثمانی را یکی دیگر از عوامل اختلاف قرائات می‌شمارد. همان طور که بیان شد، این عوامل در شکل‌گیری اختلافات بی‌تأثیر نبوده است؛ اما با احتساب تقدم عنصر سماع و حافظه و حفاظ در قرائت نسبت به کتابت، این مشکل، چشم‌گیر نخواهد بود. پیامبر اکرم ﷺ به شکلی واحد صحابه را مورد تعلیم قرار دادند و آن‌گاه صحابه به تعلیم دیگر افراد پرداختند. بنابراین، برای شکل‌گیری اختلاف قرائات جایی برای قرائت‌های متفاوت پیامبر باقی نمی‌ماند. اختلاف قرائات حاصل اجتهادات و سهل‌انگاری افراد نسبت به متن قرآنی و اعتماد آنها بر روایت سبعة احرف است و این مسأله بیانگر وحدت قرائت در زمان رسول خدا ﷺ بوده است (ر.ک: فراهانی، نقد و بررسی آرای مستشرقان پیرامون اختلاف قرائات قرآن کریم، ۱۳۸۹: ۱۴۶ - ۱۴۷).

۳-۳- آرتور جفری (Arthur Jeffery) (۱۹۸۲م):

یکی از آثار مهم «آرتور جفری»، تصحیح و تألیف کتابی است به نام «المصاحف ابوداود و سجستانی» که با نام «Materials for the history of the text of the Quran» «مطالعی درمورد تاریخ قرآن چاپ و نشر گردیده است. این کتاب مشتمل بر نظریات «آرتور جفری» در مورد تاریخ قرآن و اختلاف قرائات می‌باشد که از دو بخش تشکیل شده است: قسمت اولی کتاب، مقدمه‌ای که خود آرتور جفری آن را نگاشته است و بخش دوم کتاب، «کتاب المصاحف» می‌باشد. کتاب مذکور، به نقد و بررسی قرائات صحابه و تابعین و مصاحف بدون نام اختصاص دارد. جفری پژوهش خویش را متمرکز بر پنجاه مصحف انتسابی به صحابی و سی مصحف منتسب به تابعین نموده است و به اعتقاد خود، تمامی مصاحفی که با مصحف عثمانی فعلی ناسازگار بوده را جمع‌آوری و بررسی کرده است. او کار تحقیقی خویش را بر اساس مصاحف مورد بررسی، تقسیم بندی کرده و ذیل هر مصحف، آیاتی که دارای

اختلاف قرائات می‌باشد را بیان کرده و بدان می‌پردازد. در مجموع، جفری سعی بر آن داشته که به اثبات این مدعا پردازد که قرائات متفاوتی از قرآن وجود داشته که اکنون در دسترس نمی‌باشد و می‌نگارد: «کاملاً روشن است که متنی که عثمان سعی در جمع‌آوری آن نموده، صرفاً یک نگارش از بین تمامی مصاحف موجود بوده است (جفری، Materials for the history of the text of the Quran, ۱۹۳۷: ۶).

او اهتمام علمای مشرق زمین را نسبت به علم القرائات اندک می‌بیند و لذا بر خود فرض می‌داند که به این مبحث پردازد. او به بیان سرگذشت انجیل و تورات می‌پردازد که پیدایش لوح‌های جدیدی از این کتب که در دل زمین مدفون بوده است موجب پیشرفت تفاسیر و منابع شناخت کتب مقدس گشته است و در مقایسه با قرآن معتقد است که چنین مباحثی مطرح نیست و در رابطه با قرآن تنها کتابی ساده توسط ابوعبدالله زنجانی نگاشته شده است (همان: ۳).

منهج تحمیلی جفری در این مقایسه کاملاً واضح است. او به دنبال یافتن شباهت‌هایی در این میان است که به دنبال آن اقتباس را از کتب مقدس اثبات کند. لذا از منظر او مسلمین چندان توجهی به تاریخ کتاب مقدس خویش و نگارش فرآیند گذر زمان بر آن نداشتند. مهم‌تر از آن بی‌توجهی آنان به علم القرائات است که سبب می‌شود وی به تصحیح کتاب المصاحف پردازد. با در نظر گرفتن این نکته که نسخه اصلی کتب مقدس مفقود گذشته و آنچه که امروز میان یهودیان موجود است تنها بازنوشت آن چیزی است که در حافظه باقی مانده بوده است و کتاب مقدس نصاری نیز سال‌ها پس از عروج حضرت مسیح نگاشته شده است، یافتن این لوح‌ها پرده‌های اغمضا را در مورد بسیاری مطالب جدال برانگیز میان اهل عقل و نقل از یهود و نصاری حل خواهد نمود؛ اما قیاس این مسأله با قرآن کریم که از ابتدای نزولش مورد اهتمام پیامبر و مسلمین قرار گرفته است و از هرگونه تغییر و تحریف محفوظ بوده است هرگز صدق نخواهد کرد.

وی در اختلاف پژوهش مسلمانان و خاورشناسان، بدین مسئله می‌پردازد که اندیشمندان مسلمان اهل نقل بوده و چنین می‌نگارد: «اهل نقل، بر نظریات پیشینیان خویش و تخیلاتی که از گذشتگان خود دارند، اعتماد داشت و اگر در بین اقوال گذشته در مورد مسئله‌ای، اختلافی پیدا نکنند، یکی را برگزیده و آن را ثقه بیان می‌کنند و دیگری را ضعیف برمی‌شمارند. اما برخلاف این دسته، گروهی که اهل تنقیب و عقل هستند، تمامی اقوال مربوط به یک موضوع را بررسی کرده و به دنبال کشف حقیقت با توجه به بعد زمانی و مکانی می‌پردازند و به سند آن توجهی نمی‌کنند (همان: ۴). این مطلب که



ناشی از عدم آشنایی جفری با مباحث حدیثی و رجالی است، موجب شده که ایشان در تحقیقات خود، به روش علمای اسلام انتقاد وارد سازد.

او منجی تاثیرپذیر از آرای نولدکه دارد و او را فردی جستجوگر حقیقت می‌شمارد که منهجی علمی را برای نگارش کتاب خود برگزید و سوء نظر شرقیان را به این کتاب صحیح نمی‌داند. او در حالی که اعتراف به عدم صحت اسناد برخی از مطالب این کتاب دارد، این عیب را منسوب به اهل نقل می‌کند و می‌نویسد: «و تنها عیب این کتاب در اعین اهل نقل این است که آنها این مطالب را متنی بدون اسناد تلقی می‌کنند که از آرای قدما بدون توجه به تواتر و یا ضعف آن هر آنچه را که مطابق شرایط بوده است برگزیده است.» (همان).

نظریات جفری بر این اصل استوار است که پیامبر اکرم ﷺ از دنیا رفت و حال آنکه قرآن به صورت یک کتاب و مجموعه‌ای مدون برای امت او باقی نبود و این همان مطلبی است که مستشرقان به دنبال اثبات آن هستند تا از این رهگذر به اثبات رهیافت تحریف و تغییر در ذهن قرآن کریم بپردازند.

او به صراحت می‌نویسد: «رأی جمع و تدوین قرآن کریم در زمان پیامبر اکرم که روایات به دنبال اثبات آن هستند رأی مورد پسند مستشرقان نیست» (همان: ۵). او نه تنها جمع قرآن کریم در زمان پیامبر اکرم را مقبول نمی‌داند که حتی ترتیب سوره قرآنی را نیز منسوب به نظر صحابه می‌داند.

در زمان پیامبر ﷺ هر یک از صحابه به نگارش و جمع مصحفی برای خود پرداختند - اما نه لزوماً کامل - و از این جهت که این مصاحف، مصاحفی شخصی و در تفاوت‌هایی با یکدیگر بودند، زیرا از مصحف‌ها بر یک حرف جمع شده بودند، لذا از منظر آرتور جفری این اختلاف مصاحف صحابه بودند که منجر به اختلاف قرائت گشت. این پندار آرتور جفری اساسش آن است که اختلاف قرائت صحابه به دوره‌ی رسول خداوند برمی‌گردد، زیرا وجود مصاحف صحابه در زمان رسول خداوند به صورت مصاحفی شخصی و نه لزوماً کامل برای تأیید اختلاف قرائتی که برآمده از تساهل و تسامح پیامبر است کافی است، اما باید پرسید که چگونه این تساهل و تسامح در درازمدت محل اختلاف مسلمین می‌گردد و این مصاحف در زمان پیامبر اکرم هرگز محل اختلاف قرائت نبوده است؟

او در مورد شکل‌گیری اختلافات پس از جمع عثمان، عواملی چون رسم الخط عرب و فقدان نقطه و شکل در آن، همچون اختلاف مصاحف عثمانی و آزادی و اختیار قاری را عامل موثری می‌داند و می‌نویسد: «هر یک از قراء در گزینش حرف و شکل قرائت مطلوب و حتی گزینش آنها از مصاحفی که



عثمان آنها را ممنوع اعلام کرد مختار بود. بعد از آن بود که به تدریج اختلاف قرائات در بلدان مختلف آغاز گشت» (جفری، Materials for the history of the text of the Quran، ۱۹۳۷م: ۷).

او سیر قرائات قرآنی را در شش مرحله بررسی می‌کند که عبارتند از: «۱- مرحله وجود مصاحف قدیم - صحابه، ۲- مرحله فرستادن مصاحف عثمانی به اقالیم مختلف، ۳- مرحله آزادی اختیار در قرائات، ۴- مرحله تسلط قرائات هفتگانه و یا دهگانه، ۵- مرحله اختیار در روایات دهگانه، ۶- مرحله تعمیم قرائت حفص از عاصم و نسخ دیگر قرائات» (همان: ۹).

در بررسی کار جفری در این کتاب می‌توان به این نکات اشاره کرد: اول اینکه باید پرسید که جمع‌آوری این قرائات توسط جفری چه پیام جانبی می‌توان داشته باشد و او می‌خواهد که چه چیزی را اثبات کند؟ بر فرض صحت ادعاهای جفری باید بپذیریم که مصحف کنونی تنها یکی از متون معتبر به شمار خواهد رفت، اما این تئوری از ادعاهایی حاصل می‌شود که پایه و اساسی ندارد و دیگر اینکه، اشتباه بزرگ جفری، عدم توجه به اعتبار قرائاتی است که در کتاب خود آورده است. بسیاری از این قرائات در زمره تفاسیر وارد شده در قرائت محسوب می‌شود و بسیاری دیگر نیز از قرائات شاذ به حساب می‌آیند.

با اندکی تسامح می‌توان گفت که کار جفری تنها از این نظر که زحمت جمع‌آوری قرائت‌های مختلف را بر خود همواره کرده است، قابل توجه است، گرچه وی توجهی به استناد و صحت قرائت نداشته است. او در حقیقت هر یک از ویژگی‌های کتابتی هر مصحفی را که ابوداؤد به جمع‌آوری آن پرداخته است معرف یک قرائت می‌داند و از این کتاب چندین قرائت غیررسمی استخراج می‌کند.

بنابراین عواملی که به زعم جفری منجر به شکل‌گیری اختلاف قرائات شده است عبارتند از: ۱- عدم اهتمام پیامبر اکرم ﷺ به جمع و صیانت قرآن که منجر به بروز اختلافات فراوانی در مصحف گشت، ۲- تساهل پیامبر در امر قرائت، چنان که قرائت مطابق توان افراد باشد (یعنی بحث آزادی و اختیار افراد در امر قرائات)، ۳- مصاحف متعدد و متشتت صحابه، ۴- مصاحف متفاوت عثمانی، ۵۰ رسم الخط ساده و بی‌شکل و نقط عرب آن روزگار (فراهانی، نقد و بررسی آرای مستشرقان پیرامون اختلاف قرائات قرآن کریم، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۸).

نقد و بررسی

ارتور جفری، جمع‌آوری قرآن کریم را در زمان حیات نبی مکرم اسلام، رد می‌کند و این مسئله را مهمترین عامل در تحریف آیات قرآن بیان می‌کند. او این پیش‌فرض را مقدمه اصلی کار تحقیقاتی



خویش قرار داده و سپس در بین آثار برجای مانده و تحقیقات، به دنبال کشف گواه و مدرک بر این مدعاست و لذا مسئله اختلاف قرائات قرآنی یکی از مدعاهای ذهنی وی بوده که ابتدا در ذهن خویش آن را یقینی یافته و سپس در نتیجه تحقیقات خود، در پی کشف گواهی و مدرک بر آن برآمده است. اصلی ترین علت در اختلاف قرائات (به عقیده جفری) تفاوت موجود در بین مصاحف صحابی است، که هر صحابی، مصحف شخصی داشته که با حروف متفاوتی نگارش شده بود و به عقیده وی، عواملی همچون تفاوت در رسم الخط، اجتهادات قراء از آیات و حتی قرائت‌های متفاوت پیامبر، از جمله عوامل موثر در اختلاف قرائات می‌باشد. اما این سؤال اساسی در اینجا مطرح است که جفری که خود فردی مسیحی است، چگونه و با چه ادعا و مدارکی، وحی به نبی مکرم اسلام ﷺ و اساس حق بودن قرآن را زیر سوال برده و به روش‌های مختلف، سعی در اثبات این مدعای ذهنی دارد؟

پیامبر و مسلمین بیشترین اهتمام را در حفظ کلام الهی داشتند و علاوه بر حفظ آیات در صدور به کتابت آنها نیز می‌پرداختند. یکی از محققان می‌نویسد: «حفظ قرآن در صدور شرافت عظیمی داشت که تنها مختص به امت محمد ﷺ بوده است، چنان که در وصف آنها آمده است که «انا جیلهم فی صدورهم» برخلاف اهل کتاب از یهود و نصاری که به حفظ کتاب خویش نپرداختند» (سالم عبدالعال، المستشرقون و القرآن، ۱۴۱۰ق: ۵۲).

او اختلاف مصاحف صحابه را مهم‌ترین عامل اختلاف قرائات می‌داند و به همین ترتیب مصحف هر یک از صحابه را نمونه‌ای از قرائات مخالف فرض کرده است، حال آنکه بسیاری از این وجوه، وجوهی شاذ بوده و یا در اثر تخلیط با روایات تفسیری حاصل آمده‌اند که هرگز شایسته این نیست که تحت عنوان اختلاف مصاحف صحابه بررسی شود، گویی که قرآنهای متفاوتی میان مسلمین موجود بوده است. لذا این گونه روایات در قرائات، روایاتی شاذ و آحاد است و حال آنکه قرآن متواتر است و قرآن با این قبیل روایات اثبات نمی‌شود.

تمام علمای اسلامی عقلاً و قلباً اقرار کرده‌اند که این قرآن کریم که امروز در دست ماست و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است و با تمام اوصاف اختلاف مصاحف صحابه و اختلاف قرائات، در تمام مراحل ثابت بوده و هیچ‌گونه تغییر و تحریفی در آن رخ نداده است.

این قبیل روایات در مخالفت قرائات، مفید علم و یقین نیست و صحت اسناد آن نیز واضح نمی‌باشد و حتی بسیاری از این روایات حلم بر تفاسیر آیات می‌شوند و حال آنکه عبدالصبور شاهین



در رابطه با این زیادت تفسیری می نویسد: «ما معتقدیم آن زیادهای بیانی، ضروری بوده‌اند و وجود آنها در آن شرایط تاریخی طبیعی بود. به نظر ما اینها نشانه‌های جزئی دانشی هستند که بعدها به علم تفسیر قرآن مشهور گشت. یعنی صحابه با این شرح و توضیح‌های جزئی، سنگ بنای نخستین این دانش را پی‌ریزی نمودند. انگیزه‌ی آنها در این کار هراس آنها بر نسل‌های بعدی بود تا در فهم کتاب خدا گمراه نگردند» (شاهین، تاریخ القرآن، ۲۰۰۵م: ۱۲۲). جفری این اضافات را مؤثر در شکل‌گیری قرائات جدید می‌داند در حالی که خود اندکی بعد اذعان می‌دارد که معلوم نیست، حقیقتاً چه چیزی از این اضافات قصد شده بوده است (جفری، Materials for the history of the text of the Quran، ۱۹۳۷م: ۷). این یکی از مهم‌ترین تناقضات گفته‌های جفری و مهم‌ترین عامل اثبات در جهل او نسبت به موضوع مورد بحث است.

یکی دیگر از مواضع جهل او نسبت به موضوع جایی است که او اهل شام را متفق بر مصحف ابی بن کعب می‌داند (همان: ۸). حال آنکه امام اهل شام ابوموسی اشعری بود و اُبی، در مدینه به سر می‌برد. بنابراین، اعتقاد او در اختیار قراء در گزینش هر روایتی که از منظر آنها نیکوتر است و یا در نقطه و شکل آیات الهی به هر شکلی که می‌خواهند، یکی از تهمت‌های بزرگ او به قرآن کریم است. جفری، با منهجی تحمیلی به تحقیقات اسلامی روی می‌آورد چنان که از ابتدای مباحث خویش به مقایسه قرآن و کتب مقدس می‌پردازد.

محمد عبدالله دراز، در رابطه با او می‌نویسد: «آرتور جفری، یکی از مبشرین انگلیسی زبان است که تحت تأثیر تاریخ مسیحی است که هنگام پرداختن به مباحث اسلامی به انطباق کامل تاریخ مسیحی بر قرآن می‌پردازد. در واقع او بسیار تلاش می‌کند تا اثبات کند قرآن همچون انجیل قرآن همچون انجیل در طول زمان، مراحل مختلفی را به خود دیده است» (عبدالله دراز، مدخل الی القرآن الکریم، ۲۰۰۶م: ۴۵).

او تاریخ اختلاف قرائات را در شش مرحله بررسی می‌کند (جفری، Materials for the history of the text of the Qura، ۱۹۳۷م: ۹). اول، مرحله وجود مصاحف قدیمی است و مقصود او از مصاحف قدیمی همان مصاحف صحابه است که به امر رسول خداوند نگاشته شد. دوم، مرحله وجود مصاحف عثمانی، او مصاحف عثمانی را در مصاحفی جدید می‌داند که در مقابل مصاحف قدیم قرار می‌گیرد و از منظر او این مصاحف دارای تفاوت با یکدیگر بوده‌اند چنانکه در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. سوم، مرحله آزادی در قرائات، این مسأله طعن به اسلام و قرآن است، زیرا با اثبات وجود چنین مطلبی



تحریر قرآن حتمی است. چهارم، مرحله تسلط قرائت هفتگانه و دهگانه، اما باید توجه داشت که این مرحله تسلط قرائت نبود، بلکه گزینش قرائت بود. پنجم، مرحله اختیار در روایات عشره، ششم، تعمیم قرائت حفص بر سایر قرائت، هر چند باید توجه داشت که از ابتدا همین قرائت، قرائت اصلی میان مردم بوده است و قرائت دیگر، تنها عده اندکی پیرو داشته‌اند. بدین ترتیب او این مراحل را منطبق با مراحل تطور و پیشرفت کتاب مقدس می‌داند.

به راحتی از این جملات او، این فهم حاصل می‌آید که جفری با ذهنی مأنوس به کتاب مقدس و تاریخ آن به بررسی تاریخ قرآن کریم روی می‌آورد، او از اصلی‌ترین اصول روش تحقیق که داشتن ذهنی تهی از هر مقدمه و نتیجه و تطبیق برای جمع‌آوری معلومات تا رسیدن به نتایج صحیح است، عاری است. به همین دلیل است که هنگام عدم مشاهده‌ی مشابهت در تاریخ کتاب مقدس و قرآن این گونه حکم می‌کند که در مورد قرآن کریم جز کتابی ساده نگاشته نشده است. این می‌تواند نوعی جهل و یا تجاهل مستشرق نسبت به تمام منابع شناخت اسلام و قرآن میان مسلمانان باشد (ر.ک: فراهانی، نقد و بررسی آرای مستشرقان پیرامون اختلاف قرائت قرآن کریم، ۱۳۸۹: ۱۴۷-۱۵۲).

۴- نتیجه

از آنچه گذشت، نتیجه ذیل به دست می‌آید:

۱- کیفیت قرائت قرآن، منوط به مستند بودن به قرائت پیامبر اسلام ﷺ یا یکی از ائمه معصومین علیهم‌السلام است و نصّ قرآن به تواتر اثبات شده است و قرائتی که مستشرقان به آنان اشاره می‌کنند، شاذّ و از دایره اعتبار خارج‌اند پس قرائت آنها غیرقابل اثبات می‌باشد به طور اجمال در ردّ شبهات مستشرقان می‌توان گفت:

اولاً: پدیده قرائت قرآنی، قبل از نگارش مصاحف قرآن رخ داده است.

ثانیاً: بحث قرائت و تحرک مربوط به آن نیز پیش از پیدایش نقطه و اعراب انجام گرفته است.

ثالثاً: قرائت مبتنی بر نقل روایت بوده است.

رابعاً: اختلاف میان مصحف‌های امام که به دستور عثمان فراهم آمدند بسیار محدود و اندک بوده است.

با توجه به موارد ذکر شده می‌توان چنین استنباط کرد که نظریات مستشرقان دارای قوت علمی لازم



را ندارند و آنها علت واقعی اختلاف قرائت را بیان نکردند در نهایت اینکه قرائت قرآن دارای فصیح‌ترین دقت است، شکی در آن نیست که نشان دهنده برتری کامل زبان عربی بر دیگر زبان‌هاست.

۲- مستشرقان از پرداختن به موضوع اختلاف قرائت به دنبال خرده گرفتن و نقص تراشی برای قرآن و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده و از اثنای این طریق می‌کوشند تا به برتری بخشی دو دین یهودیت و مسیحیت و عهدین نسبت به اسلام و قرآن پردازند.

۳- پژوهشگران امامیه، برخلاف مستشرقان، هرگز به مسئله تحریف قرآن به نفع مذهب تشیع نپرداخته‌اند و مدعای این مسئله، پذیرش مسلم و قطعی مصحف عثمانی از ابتدای شکل‌گیری تا به امروز است.

۴- به نظر می‌رسد، آنچه پایه و اساس فکری این دسته از مستشرقان را شکل می‌دهد، در وجه اول، عنادورزی دیرینه‌ی غرب نسبت به مسلمانان می‌باشد که این مسئله در رویکرد قرآن‌پژوهی ایشان نیز به چشم می‌خورد و وجه دیگر، عدم توجه به اصول پژوهش است و به روشنی می‌توان دریافت که هدف مستشرقان از این گونه پژوهش‌ها، شناخت اسلام و قرآن نبوده و نیست. پژوهش‌های مستشرقان در مسئله قرائت قرآن، چه از جهت روش تحقیق، عدم بررسی منابع امامیه و عدم آگاهی کامل از مسئله اختلاف در قرائت، از جمله کاستی‌ها و نواقص غیرقابل قبول مستشرقان است.

۵- مقام معظم رهبری، تأکید خاص و ویژه‌ای بر نحوه قرائت تخصصی قرآن کریم دارند و در بیانات مختلف، ریزبینی ایشان به روشنی مشاهده می‌گردد. ایشان قرائت صحیح را مقدمه‌ای برای فهم و بدست آوری معرفت قرآنی بیان می‌کنند و در مورد نحوه قرائت قرآن کریم، به مسائلی همچون: تکرار آیات و کلمات، نحوه قطع و وصل اداء کلمات و «نفس کوتاه و بلند» پرداخته و آن را برای قاریان قرآن شرح داده‌اند و بر لزوم قرائت صحیح و مقدمات قرائت تأکید نموده‌اند.



منابع

۱. قرآن، ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، نشر دارالذکر، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
۲. ابن جزری، شمس الدین، منجد المقرئین، قاهره، مکتب القدسی، ۱۳۶۸.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چ اول، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۱۶ق.
۴. اسکندرلو، محمد جواد، بررسی رویکرد مستشرقان درباره «سبعه احرف»، مصطفی احمدی فر، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، سال ۵، شماره ۹، ۱۳۸۹.
۵. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ نهم، ۱۳۹۴.
۶. بل، ریچارد، درآمدی بر تاریخ قرآن، بازنگری: ویلیام موننگمری وات، مترجم: بهاء الدین خرمشاهی، تهران، مرکز ترجمه قرآن به زبانهای خارجی، ۱۳۸۲ش.
۷. بلاغی محمد جواد، آلاء الرحمان فی تفسیر القرآن، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۸. عاملی جُبعی، زین الدین، (شهید ثانی)، منیته المرید، نشر مکتب الاعلام الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۹.
۹. جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، چ اول، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
۱۰. جفری، آرتور، Materials for the history of the text of the Quran، لیدن، E.J. Brill، ۱۹۳۷م.
۱۱. جفری، آرتور، مقدمه المصاحف لابن ابی داود، مترجم: عبدالحسین هوشمند، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۱۲. حسینی، سید حسن، دیدگاههای نولدکه در مورد رسم الخط و قرائت قرآن و نقد آن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمية، ۱۳۸۷.
۱۳. حمزة، فتح الله، المواهب الفتحة فی علوم اللغة العربیه، قاهره، نشر الامیریه، ۱۳۱۳ق.
۱۴. الدمیاطی، شهاب الدین، اتحاف فضلاء البشر، دار الکتب العلمیه، لبنان، ۱۴۲۷.
۱۵. راغب اصفهانی حسین بن محمد. مفردات، انتشارات دارالمعرفه، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۴.

۱۶. زرقانی، محمد بن عبدالباقی، جلد: ۴، ملتبة الثقافة الدينية، قاهره، مصر: ۱۴۲۴.
۱۷. زركشى، محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، مطبعة داراحياء الكتب العربية، بيروت: ۱۳۷۶.
۱۸. زمانى، محمدحسن، قرآن و مستشرقان، بوستان كتاب، قم: ۱۳۹۵.
۱۹. زمخشرى، محمود «الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل»، ج ۳، دار الكتاب العربى، بيروت: ۱۴۰۷ق.
۲۰. سالم الحاج، نقد الخطاب الاستشراقى الظاهره الاستشراقية و اثرها فى الدراسات الاسلاميه، نشر الاستشراق، بيروت: ۲۰۱۰م
۲۱. سالم عبدالعال، اسماعيل، المستشرقون و القرآن، عربستان: رابطة العالم الاسلامى، ۱۴۱۰ق.
۲۲. سيوطى، جلال الدين، الإتقان فى علوم القرآن، تحقيق: سعيد المنذوب، دارالفكر، بيروت: ۱۴۱۶ق.
۲۳. شاهين، عبدالصبور، تاريخ القرآن، نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزيع، مصر: ۲۰۰۵م
۲۴. صارى، عبدالله اسماعيل، مقدمتان فى علوم القرآن، نشر دكتور آرتور جفرى، قاهره: ۱۳۹۲.
۲۵. طباطبايى، سيدمحمدحسين، الميزان فى تفسيرالقرآن، دفتر انتشارات اسلامى جامعة مدرسین حوزه علميه قم، قم: ۱۴۱۷ق.
۲۶. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، دارالمعرفة، بيروت: ۱۴۰۶.
۲۷. عبدالغنى القاضى، عبدالفتاح، القرائات فى نظر المستشرقين و الملحدين، مدينه: مكتبة الدار، بى تا.
۲۸. عبدالله دراز، محمد، مدخل الى القرآن الكريم، مترجم به عربى: محمد عبدالعظيم على، مركز دراسات الموحدة العربية، بيروت: چاپ دوم، ۲۰۰۶م.
۲۹. عبدالمرضى عامر، رجب، الرؤية الاستشراقية لاحرف السبعة و القرائات السبع، نشست استشراقى، رياض: ۲۰۰۶م.
۳۰. على الصغير، محمد حسين، خاورشناسان و پژوهش هاى قرآن، ترجمه: صادق شريعت، نشر امير، قم: ۱۳۷۲ش.
۳۱. فراهانى، فاخره، نقد و بررسى آراى مستشرقان پيرامون اختلاف قرائات قرآن كريم، پايان نامه كارشناسى ارشد رشته علوم قرآنى، دانشگاه جامع علوم و معارف قرآن كريم، ۱۳۸۹.



۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، نشر هجرت، قم: چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۳۳. فضلی، عبدالهادی، مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، ترجمه: سید محمدباقر حجتی، انتشارات مصلح، قم: ۱۳۷۸.
۳۴. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر قرطبی)، ناصر خسرو، تهران: ۱۳۶۴ش.
۳۵. معرفت، محمد هادی، تلخیص التمهید، دارالمیزان، بیروت: ۱۴۱۲.
۳۶. نولدکه، تئودور، تاریخ القرآن، مترجم: جورج تامر، دارنشر، جورج المر، نیویورک: بی تا.
۳۷. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، www.farsi.khamenei.ir

Resources

۱. The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Isfahani and A Group of Professors of Al-Mustafa University, Al-Mustafa International Publications, Qom: ۲nd Edition, ۲۰۰۹.
۲. Abdul Ghani al-Qazi, Abdul Fattah, Recitations in the View of the Orientalists and the Atheists, Maktabah al-Dar, Medina: n.d.
۳. Abdul Mardhi Amir, Rajab, The Oriental View on the Seven Letters and the Seven Recitations, Oriental Meeting, Riyadh: ۲۰۰۶.
۴. Abdullah Daraz, Muhammad, Preface to the Holy Quran, Translated into Arabic by Muhammad Abdul Azim Ali, Center for the Study of the United Arab Emirates, Beirut: ۲nd Edition, ۲۰۰۶.
۵. Al-Damiati, Shahab al-Din, Ithaf Fuzala al-Bashar (The Presentation of Noble Person), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Lebanon, ۱۴۲۷.
۶. Ali al-Saghir, Muhammad Hossein, Orientalists and Quranic Researches, Translated by Sadiq Shari'at, Amir Publishing, Qom: ۱۹۹۳.
۷. Balaghi Muhammad Jawad, Alaa' al-Rahman fi Tafsir al-Quran, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut, n.d.
۸. Barbour, Ian, Science and Religion, Translated by Bahauddin Khorramshahi, Markaz Nashr Danishgahi (IUP) [Institute of University Press], Tehran: ۹th Edition, ۲۰۱۵.
۹. Bell, Richard, An Introduction to the History of the Quran, Revised by William Montgomery Watt, Translated by Bahauddin Khorramshahi, Center for the Translation of the Quran into Foreign Languages, Tehran: ۲۰۰۳.
۱۰. Eskandarloo, Muhammad Javad, A Study of the Orientalists' Approach to the "Seven Letters", Mustafa Ahmadifar, Journal of Orientalists' Quranic Studies of, Volume ۵, Number ۹, ۲۰۱۰.
۱۱. Farahani, Fakhirah, Critique of Orientalists' Views on the Differences in the Recitations of the Holy Quran, Master Thesis in Quranic Sciences, Jame' University of Holy Quran Sciences and Education, ۲۰۱۰.



۱۲. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Kitab al-Ayn, Hijrat Publishing, Qom: ۲nd Edition, ۱۴۰۹ AH.
۱۳. Fazli, Abdul Hadi, An Introduction to the History of the Recitation of the Holy Quran, Translated by Seyyed Muhammad Baqir Hujjati, Muslih Publications, Qom: ۱۹۹۹.
۱۴. Hamza, Fathullah, Al-Mawahib al-Fahthiyyah fi Ulum al-Lughah al-Arabiyyah, Al-Amiriyyah Publishing, Cairo: ۱۳۱۳ AH.
۱۵. Hosseini, Seyyed Hassan, Noldeke's Views on Calligraphy and Recitation of the Quran and Its Critique, Master's Thesis in Quran and Hadith, Al-Mustafa International University, ۲۰۰۸.
۱۶. Ibn al-Jazari, Shams al-Din, Al-Munjid al-Muqri'een (The Upholstered for the Reciters), Cairo, Maktab al-Qudsi, ۱۹۸۹.
۱۷. Ibn Manzur, Muhammad bin Mukarram, Lisan al-Arab (Language of the Arabs), Vol. I, Institute of Arab History, Beirut: ۱۴۱۶ AH.
۱۸. Information Center of the Office of the Supreme Leader, <https://farsi.khamenei.ir/>
۱۹. Jaba'i Amili, Zayn al-Dinah, (Shahid Thani), Manyah al-Murid (The Desir of Disciple), Markaz al-I'lam al-Islami Publications, Beirut, ۱۴۰۹.
۲۰. Jazari, Ibn Athir, Mubarak bin Muhammad, Al-Nihaya fi Gharib al-Hadith wa al-Ather (The End in the Strange Hadith and the Narration), , Ismailian Press Institute, Qom, ۱st Edition, n.d.
۲۱. Jeffrey, Arthur, Introduction to the Masahif of for Ibn Abi Davood, Translated by Abdolhossein Hooshmand, University of Tehran, ۱۹۹۵.
۲۲. Jeffrey, Arthur, Materials for the History of the Text of the Quran, Leiden, E.J. Brill: ۱۹۳۷.
۲۳. Ma'refat, Muhammad Hadi, Talkhis al-Tamhid (Summary of Introduction), Dar al-Mizan, Beirut: ۱۴۱۲.
۲۴. Noldeke, Theodore, History of the Quran, Translated by George Tamer, Dar Nashr, George Elmer, New York: n.d.

۲۵. Qurtubi, Muhammad bin Ahmad, Al-Jami' li Ahkam al-Quran (A Collection of Rules of the Quran) (Qurtubi's Exegesis), Naser Khosrow, Tehran: ۱۹۸۵.
۲۶. Raghīb Isfahani Hossein bin Muhammad. Mufradat (Glossary), Dar al-Ma'rifah Publications, Beirut, ۲nd Edition, ۱۴۰۴.
۲۷. Salim Abdul A'al, Ismail, Orientalists and the Quran, Rabitah al-Alam al-Islami, Saudi Arabia: ۱۴۱۰ AH.
۲۸. Salim al-Hajj, A Critique of Oriental Lecture:, Oriental Phenomena and Its Effects on Islamic Studies, Al-Orientalism Publishing, Beirut: ۲۰۱۰
۲۹. Sari, Abdullah Ismail, Two Introductions to the Sciences of the Quran, Published by Dr. Arthur Jeffrey, Cairo: ۱۳۹۲.
۳۰. Shahin, Abdul Sabbur, History of the Quran, Al-Nahdhah al-Misriyyah for Printing, Publishing and Distribution, Egypt: ۲۰۰۵
۳۱. Suyuti, Jalaluddin, Al-Itqan fi Uloom al-Quran (A Perfect Guidance to Quranic Sciences), Researched by Saeed al-Mandoob, Dar al-Fikr, Beirut: ۱۴۱۶ AH.
۳۲. Tabarsi, Fadhl Ibn Hassan, Majma' al-Bayan (The Confluence of Expressions), Dar al-Ma'rifah, Beirut: ۱۴۰۶.
۳۳. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Islamic Publications Office Affiliated to the Society of Teachers of the Seminary of Qom, Qom: ۱۴۱۷ AH.
۳۴. Zamakhshari, Mahmoud, Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamid al-Tanzil (Discovering the Realities of the Ambiguities of the Revelation), Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: ۳rd Edition, ۴۰۱۴۰۷ AH
۳۵. Zamani, Muhammad Hassan, Quran and Orientalists, Bustan e Ketab, Qom: ۲۰۱۶.
۳۶. Zarkashi, Muhammad bin Abdullah, Al-Burhan fi Uloom al-Quran (A Demonstration in Quranic Sciences), Researched by Muhammad Abul-Fazl Ibrahim, Dar Ihya al-Kutub al-Arabiyyah Press, Beirut: ۱۹۹۷.
۳۷. Zarqani, Muhammad bin Abd al-Baqi, Volume: ۴, Maktabah al-Thaqafah al-Diniyyah, Cairo, Egypt: ۱۴۲۴.